

آرامگاه پادشاهان در ایران زمین

بخش دوم:
پادشاهان کیانی (ب)

ویسپوبیش، سال ۲، شماره ۳

آرمان آرین



در ادامه‌ی مکان‌های احتمالی شهرها یا پایتخت‌های کیانیان، این بار به سراغ شهر دیرین و زاینده‌ی «بلخ» می‌رویم که از گشتاسپ‌شاه تا حکیم مولانای بلخی (مولوی)، همگی از زادگان آن دیار بوده‌اند:

بلخ:

لُهراسپ‌شاه و گشتاسپ‌شاه چنان‌که گفته شد، به شاخه یا دوره دیگری از سلسله کیانی تعلق دارند که براساس مُستندات شفاهی و مکتوب، به مرکزیت شهر «بلخ» (در افغانستان کنونی) برپا بوده است. بنابراین آنچه که از عصر آنان یا آرامگاه و دخمه‌ی احتمالی‌شان می‌تواند در نهان برجای باشد، قطعاً در همان حوالی است. گرچه در بین ۵۸ اثر تاریخی که در بلخ باقی مانده و شوربختانه همگی در دست فرسایش و نابودی‌اند، تنها انگشت‌شماری نظیر «آتشکده نوبهار»، «بالا حصار» و... مربوط به دوران باستان هستند و هنوز بسیاری تپه‌های باستانی کشف نشده نیز در این

میان وجود دارند.

فارغ از موضوع کیانیان، شهر بلخ، یکی از کهن‌ترین شهرهای جهان (معروف به مادر شهرها) است که در متون اوستایی به عنوان پایتخت گشتاسپ‌شاه معرفی شده و در تاریخ و سنت‌های زرتشتی و حماسه‌های ایرانی نیز جایگاه ویژه‌ای دارد. ابوریحان بیرونی نیز در کتاب «آثار الباقیه»، بلخ را وطن پادشاهان پیشدادی و کیانی دانسته است.

در اینکه مزار شریف در ۱۵ کیلومتری (حدود دو و نیم فرسنگی) شهر بلخ، محل آرامگاه یا دخمه‌ی آشو زرتشت، پیامبر هم‌عصر گشتاسپ کیانی است - که در همان حوالی، در نیایشگاهی به دست توربراتوروریش شهید شد - کمتر شکی هست و به همین دلیل نیز، نام «مزار شریف» (البته ظاهراً برای آرامگاه حضرت علی (ع)، با داستانی که نمی‌شود اصالتش را رد یا تأیید کرد) رندانه بر آن نهاده و حفظ شده است.

همچنین ردّ پای اعصار پیشدادی و کیانی را



می‌توان در معدود آثار سالم‌مانده‌ی باستانی در بلخ یافت که هنوز بطور دقیق کاوش یا تاریخ‌گذاری نشده‌اند. اما برخی از آنها را می‌توان در کتاب‌های «صالح‌محمد خلیق» نظیر «ساحه‌های باستانی و بناهای تاریخی بلخ» (انتشارات انجمن نویسندگان بلخ - ۱۳۹۴) و «جاذبه‌های گردش‌گری بلخ» (نشر شرکت کتاب شاه‌محمد - ۱۳۹۹) و معدود کتاب‌های پژوهشی جدید در این رابطه یافت.

خلیق در «ساحه‌های باستانی» می‌نویسد: «ساحه‌ی باستانی جمشیدشهر... پیشنهادی برابر دوران شاهان پیش‌دادی و کیانی و آریانا در بلخ، یعنی حدود ۳۶۰۰ پیش از میلاد دارد... این ساحه‌ی باستانی در راست رودخانه‌ی بلخ... مقابل پُل پیکان‌دره شهرستان شولگر استان بلخ در ۵۰ کیلومتری جنوب باختر شهر مزار شریف... موقعیت

دارد و در بهار سال ۱۳۸۷ خورشیدی... از سوی گروه مشترک باستان‌شناسان افغانستان و فرانسه، کشف شده است. باستان‌شناسان در این ساحه‌ی باستانی، بازمانده‌های یک شهر باستانی آریانا و کهن‌ترین آتشکده‌ی زرتشتی را کشف کردند.» (صص ۵۸ و ۵۹) البته نگارنده تا آنجا پیش می‌رود که محل شهر جمشید و کاووس و سیاوش‌گرد [سیاگرد] و آرامگاه آتین پدر فریدون و آرامگاه کاوه آهنگر (صص ۶۰ تا ۶۸) را نیز در حوالی بلخ بطور دقیق مشخص می‌سازد که اظهارنظر درباره آنها نیاز به کاوش‌های دقیق آینده دارد.

همچنین مُحتمل است بسیاری از تپه‌های باستانی، بناهای آرامگاهی یا زیارتگاهی مثلاً اسلامی در استان بلخ، بنیانی بس کهن‌تر داشته باشند و نظیر ایران که این کار بسیار معمول بوده، برای حفظ مکان مقدس و یاد



تپه‌های رهاشده‌ی بلخ باستانی (تصویرسازی آتلیه ویسپویش و آ) (A)



تصویری از تالش زیبا

«تالش گشتاسپی» به ناحیه‌ای در جنوب‌غربی گیلان (شمال‌غربی ایران) در امتداد کوه‌های عظیم تالش اشاره دارد که از دوره‌های کهن، محل سکونت اقوام ایرانی‌تبار (احتمالاً بازماندگان کادوسی‌ها یا طوایف مادها) بوده است.

کادوسی‌ها (کادوشی‌ها) از اقوام ایران باستان بودند که از زمان مادها و هخامنشیان تا دوران اشکانیان، در غرب گیلان به‌ویژه تالش، سکونت داشته‌اند و در روایات هرودوت، استرابون و بطلمیوس از آنها به‌عنوان قومی جنگاور و کوه‌نشین یاد شده است.

از این تیره‌ی ایرانی، هنوز آثار معماری مستقیمی یافت نشده، گرچه احتمال دارد برخی دژهای موجود در منطقه (مانند قلعه صلصال و دژ لیسار) بر بقایای استحکامات پیش از اسلام ساخته شده باشند. اما به دلیل پوشش جنگلی، بارندگی بالا و عدم

باستانی‌اش، حکایات جعلی و حتی بناهای اسلامی بر آنها ساخته‌اند اما بُن‌مایه‌ی مکان همان است که هزاره‌ها پیش‌تر بوده است. از همین دست‌اند؛ آثار «مُل‌آغان»، «کتلوک تپه»، «نملیک تپه»، «دلبرجین تپه»، «مقبره حضرت شیث (ع)» «زیارتگاه بابا حاتم» و... که بعید نیست در بُن آنها شاهان و شاهزادگان کیانی - از تاریخ حماسی ایران کهن که پاره‌های آن در خراسان، مازندران، سیستان، افغانستان و تاجیکستان پراکنده شده - خفته باشند.

تالش گشتاسپی (گیلان):

در برخی منابع قدیمی، آبادسازی منطقه تالش گشتاسپی در گیلان را به گشتاسب‌شاه کیانی نسبت داده‌اند که با توجه به نام کهن تالش که «کادوس» بوده، قابل تأمل است. (پژوهشی در نام شهرهای ایران - ص ۲۲۷)

می‌توان گذر آن مسافر را از مسیر تالش گیلان - که منطقاً میان دو منطقه بلخ در شرق و روم در غرب بود - دانست؟!

اما در منابع اصلی اساطیری و تاریخی - نظیر شاهنامه و اوستا و تواریخ اسلامی - که نام گشتاسپ در آنها آمده، اشاره‌ای به تالش گیلان نشده است. گرچه در برخی آثار تاریخی جدیدتر نظیر تاریخ طبرستان و رویان و مازندران (ظهیرالدین مرعشی؛ قرن ۹ هجری) [گرچه دقیقاً درباره تالش و گیلان نیست] یا کتاب‌های مردم‌نگاری تالش (نظیر آثار محمد بُشرا، ناصر عظیمی یا پژوهش‌های محققان شوروی درباره تالش) تا فرهنگ عامه و فولکلور محلی، به نقل‌قول‌هایی از انتساب برخی طوایف به شاهان کیانی ایران می‌توان رسید.

در نهایت اما تا امروز، هیچ مدرک تاریخی قطعی درباره ارتباط مستقیم گشتاسپ شاه کیانی با منطقه تالش گشتاسپی وجود ندارد.

ادامه دارد...

کاوش منظم، آثار معماری باشکوه (مانند معابد یا قلعه‌های شناخته‌شده) به‌ندرت در تالش گیلان برجای مانده‌اند. درهرحال، از کادوسیای آثار تدفینی، گورستان و سفالینه‌هایی در دست است که نشان از وجود تاریخی آنها دارد. بنابراین نام «گشتاسپ» در این ناحیه، می‌تواند به سه دلیل زیر باشد:

۱. خاندان‌هایی با نام «گشتاسپی» در منطقه بوده‌اند که احتمالاً نام‌شان را به دلایل شجره‌نامه‌ای یا حتی تشریفاتی و بزرگ‌نمایی نَسَب خود، از آن پادشاه کیانی گرفته‌اند. بنابراین منظور از گشتاسپ، آنها بوده‌اند نه شاه شهیر کیانی.

۲. در فرهنگ‌های عامه محلی ایران، بسیار رایج بوده است که شخصیت‌های حماسی، اسطوره‌ای و تاریخی بزرگی همچون رستم، جمشید، گشتاسپ، سلیمان و... را با مناطق مختلف ایران پیوند دهند.

۳. در برخی تذکره‌ها و کتب جغرافیای محلی (به‌ویژه متون صفوی و قاجار)، نام گشتاسپ در کنار تالش آمده است. اما این منابع، اغلب با نگاه اسطوره‌ای، به روایت تاریخ پرداخته‌اند و بنابراین جدای از ارزش مردم‌شناسی، نمی‌توان آن‌ها را منبع قطعی تاریخی دانست.

۴. شاید بتوان برخی داستان‌های منطقی-خیالی برای انتساب تالش به گشتاسپ تصور کرد؛ نظیر اینکه این پادشاه مطابق با شاهنامه، در جوانی از بلخ به روم رفت. آیا